



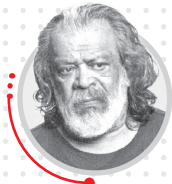
شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۴ - صفحه ۲۰ هزار تومان - سال چهارم - شماره ۸۵۹
www.hammihanonline.ir



خواب آشفته ساواکی پیر
درباره محکومیت پرویز ثابتی به ارتکاب شکنجه
در پی دادخواهی سه تن از محکومان پیش از انقلاب



از نوشتاری تا نئواستریم
گزارشی از سما بابایی
درباره ماندگار نشدن موسیقی سریال‌های نمایش خانگی



غلام باستانی جهان شمول
چرا پیرپسر بهترین انتخاب
برای نمایندگی ایران در اسکار است؟



واکسن ایرانی HPV بی صدا جمع شد
گزارش تحقیقی «هم میهن» درباره توقف ناگهانی واکسن «پاپیلوگارد» و پیامدهای آن

گفت‌وگو با دیپلمات‌های با سابقه درباره بیانیه ضرورت تغییر در سیاست خارجی

گزارش
دیپلماسی
۶۰۷

زمان تصمیم بزرگ

ابوالقاسم دلفی سفیر پیشین ایران در فرانسه

دستگاه دیپلماسی باید شجاعت و جسارت پیدا کند و بتواند از قالب‌ها و چارچوب‌هایی که قبل از اتفاقات جنگ ۱۲ روزه برای خودش قائل بود، بیرون بیاید. ما در اخبار شنیده‌ایم و پیگیری کرده‌ایم که یک کمیته تشکیل شده است که در مورد مذاکرات و سیاست خارجی کشور تصمیم می‌گیرد و به وزارت امور خارجه ابلاغ می‌کند. اینکه دستگاه دیپلماسی مجری تصمیم‌های نظامی باشد، متفاوت از این است که دستگاهی به موازات وزارت امور خارجه تشکیل شود تا تصمیم‌های تخصصی در حوزه دیپلماسی و مذاکره بگیرد.

مصطفی اعلائی سفیر پیشین ایران در ونزوئلا

یکی از خواش‌ها جهت بهبود در عملکرد سیاست خارجی این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش به منطقه تمدنی خود توجه کند. ضروری است که دستگاه سیاست خارجی کشور به جغرافیای فرهنگی ایران به خصوص در قفقاز و آسیای میانه توجه بیشتری داشته باشد. در منطقه قفقاز و آسیای میانه، مولفه‌ها و عناصر قدرتی وجود دارد که می‌تواند به ما توان بیشتری برای دفاع از منافع مان بدهد. وقتی از راه‌های مواصلاتی صحبت می‌کنیم، مولفه‌های قدرت و اقتداری بر مبنای این مسیرها شکل می‌گیرد.

گفتار
سیاستمدار
۲۰۳

نوبت استراتژی نوین ملی

تحلیل حسن روحانی از ریشه‌ها و پیامدهای جنگ ۱۲ روزه و راهی که کشور در حوزه‌های مختلف باید در پیش گیرد

سرمقاله

وزارت خارجه کجای کار است؟ ظاهراً هیچ پاسخگویی روشنی در این زمینه وجود ندارد. به همین دلیل هم مردم و رسانه‌ها و نخبگان هم هر کدام ساز خود را می‌زنند؛ چون چاره دیگری ندارند. اصرار به ادامه سیاست‌های گذشته هم قابل فهم است؛ به شرطی که کسی به مردم بگوید گرچه سیاست‌های گذشته ما را به این روز رسانده است، ولی وضعیت امروز ما مطلوب است و باید همان راهبرد گذشته را ادامه دهیم؟ و به‌طور مستدل اطمینان دهد که نه تنها می‌توانیم این وضع را حفظ کنیم، بلکه آن را بهبود هم خواهیم داد. اگر کسی چنین ادعیه‌ای ندارد و در صندلی مسئولیت نشسته، حق ندارد الله‌بختی و دیمی سفر یا رفتار کند. باید پاسخگو باشد. حق ندارد فردای روزگار زیرش بزند که مثلاً ما مخالف بودیم. برای اثبات بی‌برنامگی همین توضیح کفایت

می‌کند که مجموعه نیروها اتفاق نظر دارند که جنگ درست نیست. ولی برخی هم هستند که با مذاکره بیشتر از جنگ مخالف هستند و آن را کفر ابلیس می‌دانند و هنگامی هم که می‌گویند پس چه کار کنیم، می‌گویند راه‌های دیگر هم هست. کدام راه؟ دریغ از یک کلمه پاسخ درست و درمان. متأسفانه مقامات رسمی هم در تورهای خودتئیده گرفتار هستند و حتی یک نفر را پیدا نمی‌کنیم تا ادعاها و مواضعی را که بیرون از صندلی قدرت اتخاذ می‌کند، هنگام نشستن بر صندلی نیز تکرار و اجرا کند. معلوم نیست این صندلی چه خاصیتی دارد که این‌گونه صاحبانش را از خود و خرد پیشین بیگانه می‌کند؟

کفایت مذاکرات!

به نظر می‌رسد که جامعه ایران خیلی پیش از این در توصیف وضع نارسایی‌های موجود به کفایت مذاکرات رسیده است. در واقع، در توصیف وضعیت موجود و نیز به بن‌بست رسیدن سیاست‌های گذشته تردیدی نیست. اظهار این‌که فلان تصمیم خطا بوده یا باید بهمان کار را انجام می‌دادیم، خوب و بی‌جاست؛ ولی تکرار آن ملال‌انگیز شده است. گویی که کسی نیست تا این حقایق را بشنود و کاری کند، و چنین برداشتی موجب سرخوردگی و عصبانیت می‌شود. سخنان آقایان حسن روحانی و مهدی کروبی و مواضع تکراری و حوصله‌سربر دبیر شعام در بیروت و بیانیه کارشناسان پیشکسوت امور خارجی کشور که همگی این موارد در روزنامه

امروز بازتاب یافته است، نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از جریان‌ها و افراد سیاسی درون یا نزدیک به ساختار قدرت، نگاه و عمل معطوف به آینده ندارند. سهیل است که جریان‌های بیرون ساختار سیاسی نیز سردرگم و منتظر حوادث پیش‌بینی نشده هستند. مشکل این است که کسی نمی‌داند مخاطب این مواضع انتقادی که باید پاسخ دهد، کیست یا کجاست؟ آیا شورای عالی امنیت ملی عهده‌دار پاسخگویی است؟ آیا این مجلس چندده‌صدی پاسخگو باید باشد؟ آیا شورای سران سه‌قوه می‌توانند در این سطح سیاست‌گذاری کنند؟ آیا مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین تکلیف می‌کند؟ اما مان جمعه‌چطور؟ شخصیت‌های سیاسی و نظامی دارای پست یا بی‌کار چه جایگاهی دارند؟

